جاذبه های گردشگری در سیستان و عشایر بلوچ

افشار سیستانی، ایرج

 ایران را«قاره کوچک»لقب داده‏اند و این‏ نامگذاری به هیچ وجه اغراق آمیز نیست.

وجود چهارده گونه متفاوت آب و هوایی‏ در این کشور،گواهی روشن بر این امر است.این تنوع آب و هوایی،تنوع و رنگارنگی زیبایی به زندگی اقوام ساکن در این سرزمین بخشیده،که آگاهی از آنها می‏تواند نوعی«خودشناسی»نیز تلقی‏ شود.اطلاع از پیشینه فرهنگی،آداب و رسوم،گویش،صنایع دستی،شرایط اقلیمی و جاذبه‏های زیست محیطی هر بخش از کشورمان،می‏تواند تأثیر مطلوب‏ و فراوانی بر جذب گردشگران داخلی و خارجی داشته باشد.

دکتر ایرج افشار سیستانی در این مقاله،ما را با موقعیت اقلیمی،آداب رسوم، جاذبه‏ها،کمبودها و کفایت‏های‏ گردشگری سیستان و بلوچستان آشنا می‏کند.

جاذبه‏های گردشگری‏ در سیستان‏ و عشایر بلوچ

ایرج افشار سیستانی

استان سیستان و بلوچستان،در جنوب خاوری‏ ایران قرار دارد و به دلیل داشتن جایگاه ویژه طبیعی‏ و جغرافیایی،همجوار بودن با دریای مکران یا دریای عمان،رود هیرمند و دریاچه هامون،شرایط ویژه اقلیمی و آب و هوایی و هم چنین جایگاه ویژه‏ سیاسی،اعتبار ویژه‏ای از دیدگاه استراتژیک دارد و هم گلوگاه شبه قاره هند و خاور دور به شمار می‏رود.

مردم سیستان و بلوچستان در گذر تاریخ، دگرگونی‏های بسیار دیده‏اند،ولی با خونسردی و استواری بر دشواری‏ها چیره شده و شکوه ملی و مذهبی خویش را حفظ کرده‏اند.

عشایر دلیر بلوچ و سیستانی،بارها به یاری‏ حکومت مرکزی شتافته‏اند و این کشور را حفظ کرده‏اند،همراه نادر شاه افشار به فتح هندوستان‏ رفته‏اند و با نیروی متجاوز انگلستان،جانانه‏ جنگیده و آنها را از سیستان و بلوچستان رانده‏اند، اما در عوض،از حکومت‏های پیشین ایران،همیشه‏ تازیانه خورده و شکنجه شدند،و چه ستم‏ها که‏ کار گزاران،حکومت‏ها،به این قوم نکرده‏اند،به‏ طوری که ستم حاکمان قاجار نزد عشایر استان، ضرب المثل شده است.

مرزداران رشید بلوچ و سیستانی،همواره به‏ رفتار و کردار پسندیده و منش‏های نیکوی اخلاقی‏ شهرت داشته‏اند.این ویژگی‏های وجودی،توانسته‏ است این منطقه را از آسیب طوفان‏های حوادث، چون یورش‏ها،کشتارها،چپاول‏ها،بی‏مهری و ستم حکومت‏های پیشین،به ویژه قاجار و پهلوی‏ نگهدارد.

توانمندی‏های گردشگری بسیاری در استان‏ سیستان و بلوچستان وجود دارد،که در فصل‏های‏ گوناگون سال،علاقه مندان به طبیعت،آثار تاریخی،فرهنگی و هنری و همچنین زندگی‏ عشایری را،برای سفر به این منطقه،به سوی خود جذب می‏کنند.

دریاچه هامون،بزرگترین دریاچه آب شیرین‏ جهان،که با میزبانی هزاران پرنده مهاجر،و نیزارهای سر سبز پیرامونش،سرسبزی و زیبایی‏ ویژه‏ای به منطقه بخشیده است،کرانه‏های زیبای‏ دریای مکران،پدیده نادر طبیعی،چون ستیغ تفتان‏ و آثار بسیار و با ارزش باستانی و تاریخی دوران‏های‏ گوناگون،از جمله جاذبه‏های طبیعی و دیدنی‏های‏ نواحی گوناگون استان است،که به گفته‏ کارشناسان،بهره‏گیری مناسب و به جا از آنها، می‏تواند صنعت جهانگردی را در این منطقه رونق‏ بخشیده و سبب دگرگونی اقتصادی استان شود.به‏ علاوه احیا و ایجاد زمینه‏های توسعه این صنعت در استان،می‏تواند نقش مؤثری در بالا بردن فرهنگ‏ عمومی،ایجاد اشتغال و بهره‏گیری اقتصادی،از جاذبه‏های گردشگری منطقه باشد.

توانایی‏های یاد شده،با توجه به جایگاه استان، و دوری آن از نواحی پرجمعیت‏تر مرکزی کشور، و به ویژه امکانات بسیار محدود و اندک پذیرایی از گردشگران،در حد ناچیزی مورد استفاده قرار می‏گیرد.در حال حاضر بیشتر شهرهای استان بدون‏ هتل بوده و مسافرخانه‏های این شهرها نیز بیشتر به‏ دلایل کیفی،پاسخگوی نیاز مراجعه کنندگان‏ نیست.

بیشتر امکانات پذیرایی از گردشگران در شهر زاهدان،که مرکز استان و مرکز خدمات اداری‏ است،قرار دارد.

در سیستان و بلوچستان،عشایر و طایفه‏های‏ بلوچ بسیاری،از جمله:ریگی،هاشم زهی، جمالزهی،بارک زهی،کرد،مبارکی،سجادی، میرلاشاری،شیرانی،شه بخش،نارویی،گرگیچ، رئیسی،براهویی،شهنوازی،گمشاد زهی،بامری، بلیده‏ای،میر مراد زهی،حسین بر،ملازهی و زین الدینی زندگی می‏کنند.

عشایر رشید و مرزدار بلوچ،همراه با سنن و شیوه‏های ویژه زندگی،به تنهایی یکی از جاذبه‏های‏ بی‏نظیر و چشمگیر گردشگری استان است.این‏ جاذبه،علاوه بر اینکه گردشگران را به سوی خود می‏کشاند،می‏تواند مورد توجه دانشجویان و دانش‏پژوهان رشته مردم شناختی قرار گیرد.

جاذبه‏های فرهنگی

عشایر بلوچ دارای آیین‏ها و کنش‏های فرهنگی‏ ویژه‏ای هستند.زندگی آنان،با الگوی سکونت، معیشت،زیست و آداب و رسوم ویژه،از جمله‏ جاذبه‏های دیدنی این شیوه زندگی است،که مورد علاقه ایرانگردان و جهانگردان است.

بلوچ‏ها،به دلیل شرایط ویژه محیط زیست بوم‏ خود،استوار و بردبار بوده و با کمترین امکان‏ها، زندگی می‏کنند،و سازگاری آنان نیز در برابر دشواری‏ها،بسیار است.

بلوچ،انسانی سخت کوش،میهن دوست، مرزدار،میهمان نواز،جنگجو و در دوستی وفادار است.

مردان بلوچ نسبت به زندگی و همسر و فرزندان‏ خود،علاقه زیادی دارند،آنان طلاق را زشت‏ دانسته و به ندرت از همسران خویش جدا می‏شوند.

بلوچ‏ها،از قیدها و تعارفات اضافی برکنار بوده،و در پندار و گفتار آنان،سادگی و بی‏آلایشی‏ موج می‏زند.در بین آنها،قول و قرار،از اهمیت به‏ سزایی برخوردار است.

بلوچ‏ها برای اعیاد مسلمانان احترام بسیاری‏ قایل‏اند.آنها در گذشته به جشن‏های ملی از جمله‏ چهار شنبه سوری،نوروز و سیزده بدر توجه زیادی‏ نداشتند،با این حال،در سال‏های اخیر،در اثر تماس با مردم دیگر نقاط،تنها در شهرها،هنگام‏ فرا رسیدن نوروز،شادی می‏کنند و آن را گرامی‏ می‏دارند.

\*بلوچ،انسانی سخت کوش، میهن دوست،مرزدار،میهمان‏ نواز،جنگجو و در دوستی وفادار است.

مردان بلوچ نسبت به زندگی و همسر و فرزندان خود،علاقه‏ زیادی دارند،آنان طلاق را زشت‏ دانسته و به ندرت از همسران‏ خویش جدا می‏شوند.

همسر گزینی و جشن عروسی،همراه با اجرای‏ موسیقی شاد،و پایکوبی‏های دسته جمعی،از جاذبه‏های مهم فرهنگ گردشگری است،که برای‏ افراد غیر محلی و جهانگردان،جالب و دیدنی‏ است.

عشایر بلوچ،در جشن‏های ملی و مذهبی و جشن عروسی،به شتر سواری می‏پردازند و گاه‏ مسابقه‏ای ترتیب داده و به برندگان،گوسفند یا بز، جایزه می‏دهند.

شتر سواری همراه با آذین شتران،نواختن ساز و دهل و رقص و پایکوبی جوانان،زیبایی و منظره‏ ویژه‏ای را به وجود می‏آورد،که برای جهانگردان‏ بسیار جالب و دیدنی است.

بجار یا تعاون یا همیاری و کمک رسانی،از پسندیده‏ترین سنت‏های عشایر بلوچ است،که در بین پیشرفته‏ترین مردمان جهان،نظیر آن کمتر وجود دارد.

بجار،یعنی کمک و همراهی مادی با جوانی‏ است که می‏خواهد ازدواج کند و زندگی و خانواده‏ای تشکیل دهد.بزرگان عشایر بلوچ،به‏ منظور دستگیری و همراهی با جوانان،این شیوه‏ بسیار خوب را رواج داده‏اند،تا جوان از توان مالی‏ اندک خود،شرمنده نشود.مبلغ بجار،بستگی به‏ توان مالی و همت فرد داشته و هیچ کس از پرداخت‏ آن،معاف نیست.

همیاری یا تعاون،در امور مربوط به کشاورزی، دامداری،صنایع دستی،ساخت مسکن،لایروبی‏ نهرها و غیره نیز وجود دارد.

زن در جامعه عشایری بلوچستان،از شأن و مقام‏ ویژه‏ای برخوردار است.زن بلوچ،خود مرد دوم‏ خانه به شمار می‏رود.بانوان عشایر،همدوش و همگام با مردان و گاه حتی نقش فعالتری را،در روند زندگی کوچ‏نشینی،به عهده دارند.آنان علاوه‏ بر اداره زندگی زناشویی و انجام وظایف مادری و همسر داری و اداره امور داخلی خانه،در تمامی‏ مراحل کشت،برداشت و دامداری،با همسران‏ خود،همراه و همپایند.

بانوی بلوچ در ساعات فراغت نیز،از پای‏ ننشسته و به بافتن فرش،گلیم،خورجین،سیاه‏ چادر و سوزن دوزی می‏پردازد.

فرهنگ بلوچ،برای بانوان،اهمیت و منزلت‏ ویژه‏ای قایل بوده و شواهد تاریخی،نشان می‏دهد، که در گذشته دور،بانوی بلوچ،توان و ارزشی به‏ مراتب بیشتر از امروز داشته است،به اندازه‏ای که‏ در آن زمان،چنانچه زنی چادر خود را وسط میدان‏ جنگ می‏انداخت،جنگ پایان می‏یافت.

شجاعت زنان،در کنار کد بانوگری و لیاقت آنان‏ و پاکدامنی و تقوا و وفاداری،همه،از ویژگی‏های‏ شایستهء بانوان بلوچ است.

پوشاک بلوچ‏ها،یادآور پوشاک باستانی ایرانیان‏ پیش از اسلام است.این گونه پوشاک،به پیروی از روش و تأثیر سرزمین‏های همجوار،پوشاکی‏ است،که در سراسر جنوب خاوری و بلوچ نشین‏ کشور،کار برد دارد.

پوشاک مرد و زن بلوچ،نشانگر ذوق،هنر و فرهنگ اوست.تنوع رنگ در پوشاک،به ویژه‏ پوشاک بانوان،بیش از همه،توجه مسافران و گردشگران را در هنگام ورود به استان،جذب‏ می‏کند.

جاذبه‏های هنری

جامعهء عشایری سیستان و بلوچستان دارای‏ جاذبه‏های هنری گوناگون از جمله موزه هنرهای‏ دستی،معماری و فضاهای عشایری،موسیقی، رقص و غیره است که به برخی از آنها اشاره می‏شود:

موزه‏ها،از جمله موزهء مردم شناختی زاهدان، زابل و ایرانشهر که آثار و اشیای زندگی مردم،از جمله هنرهای دستی،پوشاک،ظروف و ابزار کشاورزی عشایر بلوچ را به نمایش گذاشته‏اند،از نشانه‏های فرهنگ بشری به شمار می‏آیند.

هنرهای دستی،از جمله فعالیت‏هایی است که‏ در استان سیستان و بلوچستان،دیرینگی بسیاری‏ دارد.به دلیل ساده بودن فناوری تولید و سازگاری‏ آن با شرایط اقتصادی خانوارهای عشایری و روستایی استان،بیشتر خانوارهای بلوچ با یکی از هنرهای دستی آشنایی دارند و نقش آن،در تامین‏ \*موسیقی در بلوچستان،بخش‏ جدایی ناپذیر زندگی مردم آن،از هنگام تولد تا مرگ،از اندوه تا شادی و درمان بیماری‏های جسمی‏ و روحی است.

\*عشایر بلوچ،دارای معماری‏ ویژه خود هستند که در آن‏ می‏توان نشانه‏هایی از آب و هوای‏ ناحیه،مواد و مصالح،تلاش‏های‏ اقتصادی،پیشینه،آداب و رسوم‏ و منش عشایر بلوچ را دید.

کمبودهای درآمدی خانوارها دارای اهمیت است.

در هر یک از کانون‏های جمعیتی عشایری و روستایی استان،با توجه به اقلیم و وجود منابع، گونه‏ای از هنرهای دستی،رشد کرده است.بعضی‏ به فرش،قالیچه و گلیم بافی مشغول‏اند و شماری‏ به سوزن دوزی و حصیر و پشتی بافی و برخی‏ سفال سازی را پیشه کرده و شماری سیاه چادر و خورجین می‏بافند.

هنرهای دستی عشایر بلوچ،عبارتند از:فرش، گلیم،سیاه چادر و به گویش محلی پلاس،سفره یا جهیزی،حصیر،نمد،سوزن دوزی،سکه دوزی، پولک دوزی،آیینه دوزی و خراطی.هر یک از این‏ هنرها،ریشه باستانی دارند و سوغات با ارزشی‏ برای بازدیدکنندگان از استان به شمار می‏روند.

موسیقی در بلوچستان،بخش جدایی ناپذیر زندگی مردم آن،از هنگام تولد تا مرگ،از اندوه تا شادی و درمان بیماری‏های جسمی و روحی است.

بلوچ‏ها با ابزار موسیقی خود،به آسانی‏ می‏توانند آهنگ‏های اصیل ایرانی را بنوازند و در عین حال،بسیاری از نواهای همانند هندی را نیز،با همین سازها اجرا می‏کنند.

آهنگ‏ها و ترانه‏های عامیانه عشایر بلوچ، نمودار کاملی از هنر و فرهنگ ملی این سرزمین‏ است و به طور کلی ترانه‏های عشایر بلوچ اهمیت‏ داشته و در روح انسان،اثر می‏گذارند.

ترانه‏های بلوچی،بیشتر در مراسم عروسی، ختنه سوری و جشن‏ها،به ویژه عید فطر خوانده‏ می‏شود.سرشناس‏ترین این ترانه‏ها،عبارت‏اند از: لیکو و زهیروک،کردی،موتک،آوازهای‏ حماسی:میر قنبر،چاکر و گوهرام و عاشقانهء:عزت‏ و میروک،گواتی،مالده و آوازهای مراسم عروسی‏ و زایمان:نازینک،لارو،هالو،شپتاکی،سپت، وزبت،نعت و صوت.

ابزار موسیقی عشایر بلوچ،عبارتند از:رباب، قیچک،تنبورک،نل،دونلی،دهلک،دهل لیوا، دهل مگرمان،سما یا دایره.

در بلوچستان رقص‏های گوناگونی،مانند: چوبی،ناچی،صحبتی،دو چاپی و سه چاپی وجود دارد.

موسیقی این رقص‏ها،بخش مهمی از مراسم‏ عروسی را در بر می‏گیرد.رقص بلوچ،پر جنب و جوش و شادی بخش است.دست افشانی و پایکوبی دسته جمعی آنها بسیار زیبا و نشاط انگیز و دیدنی است.

در نواحی عشایری و روستایی شهرستان‏ چابهار،مراسم«لیوا»رایج است،که به گونه‏ای به‏ رقص دسته جمعی آفریقایی‏ها،همانندی دارد. «لیوا»به جشن‏ها و برنامه‏های شاد بستگی داشته و به وسیلهء سورنا،دهل لیوا و یک دهل کوچک‏تر اجرا می‏شود.آهنگ‏های«لیوا»متنوع است، نخست با ریتمی ملایم شروع می‏شود و اندک اندک به اوج می‏رسد.

معماری،بیانگر ویژگی‏های جامعهء عشایری، در زمینه‏های گوناگون،به ویژه ساختار اجتماعی، اقتصادی و علاقه هنری آن است.عشایر بلوچ، دارای معماری ویژه خود هستند که در آن می‏توان‏ نشانه‏هایی از آب و هوای ناحیه،مواد و مصالح، تلاش‏های اقتصادی،پیشینه،آداب و رسوم و منش‏ عشایر بلوچ را دید.سبک معماری بناهای سنتی و سیاه چادرهای عشایر،ضمن جذب بسیاری از جهانگردان،بزرگی و توانگری معماری منطقه را به یاد می‏آورد.

فضاهای عشایری بلوچستان با مناظر زیبا و فرح انگیز،از جمله گوربند و براسان در نزدیکی‏ شهر زاهدان،سیاه چادرها و مسکن‏های عشایری‏ پیرامون کوه تفتان،دره رودخانه سرباز،نواحی‏ ناهوک و جالق در شهرستان سراوان و نکوچ در شهرستان نیک شهر،صحنه‏هایی از شگفتی‏های‏ طبیعت و زیست عشایری را،از نظر گونه زیست و پوشاک رنگارنگ بانوان و مردان و آیین‏های‏ ویژه‏شان به نمایش می‏گذارند و از جاذبه‏های مهم‏ گردشگری استان به شمار می‏روند.